

ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان

ابراهیم رضاپور*

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

پذیرش: ۹۳/۶/۸

دریافت: ۹۳/۴/۲۶

چکیده

رده‌شناسی زبان هم بر همگانی‌های زبانی و هم بر تنوعات زبانی تأکید دارد و همگانی‌های زبانی در رده‌شناسی زبان براساس ملاحظات معنایی، کاربردشناختی، گفتمانی، پردازشی و شناختی تبیین می‌شوند. در تحقیق حاضر، ترتیب واژه زبان سمنانی براساس مؤلفه‌های بسیت و چهارگانه درایر (1992) از منظر رده‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هدف این تحقیق تعیین ترتیب واژه زبان سمنانی از منظر رده‌شناسی است که نتایج تحقیق می‌تواند در مطالعات رده‌شناسی زبان تأثیرگذار باشد. داده‌های تحقیق نیز از طریق مصاحبه با گویشوران سمنانی جمع‌آوری شده است. داده‌های تحقیق حاکی از آن است که زبان سمنانی دارای ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل میانی قوی در مقایسه با گروه زبان‌های اروپا-آسیا و همچنین دارای ۱۶ مؤلفه فعل پایانی قوی و ۱۴ مؤلفه میانی قوی در مقایسه با گروه زبان‌های جهان است. بنابراین زبان سمنانی گرایش به رده زبان‌های فعل پایانی دارد. البته فاصله چندانی بین مؤلفه‌های فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی در تحقیق نیست که این نکته نشان‌دهنده تحول و تغییر زبان سمنانی به سمت رده زبان‌های فعل میانی است. همچنین داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که مطابقت جنسیت دستوری بین فاعل و فعل وجود دارد و تمامی مصدرها دارای نشانه نمود کامل هستند.

واژگان کلیدی: زبان سمنانی، رده‌شناسی زبان، ترتیب واژه، همگانی‌های زبان، مؤلفه‌های رده‌شناختی.

۱. مقدمه

تاکنون از منظر رده‌شناختی مطالعات زیادی در زبان‌های مختلف صورت گرفته است و همچنین مطالعات رده‌شناختی در فارسی و زبان‌های دیگر ایرانی، نسبتاً خوب بوده است. در

Email: abrahim_rezapour@profs.semnan.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

این تحقیق زبان سمنانی از منظر رده‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا مشخص گردد این زبان به لحاظ ویژگی‌های رده‌شناختی ترتیب واژه به کدامیک از رده‌های زبانی فعل میانی یا پایانی تعلق دارد. درحقیقت پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که آیا زبان سمنانی به لحاظ رده‌شناختی به رده‌ی زبان‌های فعل میانی تعلق دارد یا به رده‌ی زبان‌های فعل پایانی؟ تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و روش از نوع همبستگی است. در این تحقیق ساخت‌های مختلف جملات زبان سمنانی از منظر مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه‌ی درایر مورد بررسی قرار می‌گیرند و رفتارهای متفاوت سازها در جملات به‌دقت تجزیه و تحلیل می‌شوند. داده‌های تحقیق نیز از طریق مصاحبه با گویشوران سمنانی جمع‌آوری شده است. نتایج داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که زبان سمنانی به رده‌ی زبان‌های فعل پایانی گرایش دارد و در حال تغییر و تحول به سمت رده‌ی زبان‌های میانی است.

۲. پیشینه تحقیق

جامع‌ترین اثر در زمینه‌ی رده‌شناسی زبان‌های ایرانی توسط دبیرمقدم (۱۳۹۲) نوشته شده است. در این پژوهش زبان‌های فارسی، بلوچی، دوانی، لارستانی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری و نایینی به لحاظ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، همبستگی بیشتری را با زبان‌های رده‌ی فعل-مفعول قوی (یعنی فعل میانی) در خود تثبیت یا به بیانی فنی‌تر، دستوری کرده‌اند. در میان زبان‌های ذکرشده می‌توان دید که زبان‌های کردی و لکی با توجه به اختلاف بین آمار مربوط به زبان‌های رده‌ی فعل پایانی قوی و رده‌ی فعل میانی قوی، همبستگی بیشتری با زبان‌های رده‌ی فعل میانی قوی دارند. از سوی دیگر زبان‌های تالشی، شه‌میرزادی و تاتی گرایش بیشتری به سمت زبان‌های رده‌ی فعل پایانی قوی دارند (نک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۱۹۶). دبیرمقدم درباره‌ی اهمیت مقایسه‌ی رده‌شناختی زبان‌های ایرانی تأکید کرده است؛ چنان‌که می‌توان پژوهش‌های زبان‌شناختی ایرانی را در ارزیابی تحولات جاری زبان‌شناختی به خدمت گرفت و بدین‌ترتیب اهمیت این یافته‌ها را در پرتوافتادن به چپستی زبان و نظریه‌پردازی درباره‌ی زبان آشکار کرد (نک. همان: ۱۲۰۳). گلفام رده‌شناسی زبان را به‌مثابه شاخه‌ای از زبان‌شناسی در نظر می‌گیرد که به مطالعه‌ی شباهت‌های ساختاری بین زبان‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن پیشینه‌ی آن‌ها می‌پردازد تا براساس آن مبنایی برای طبقه‌بندی یا

رده‌بندی زبان‌ها ارائه کند (نک. گلفام، ۱۳۷۹: ۱۷۱). او به ساخت بندهای موصولی کینان و کامری (۱۹۷۷) اشاره کرده است؛ چنان‌که سلسله‌مراتب سادگی فراگیری و پردازش بندهای موصولی عبارت‌اند از: فاعل > مفعول مستقیم > مفعول غیر مستقیم > مفعول گروه اضافه‌ای. بر این اساس یادگیری بندهای موصولی که در آن‌ها هسته، نقش فاعل بند موصولی را دارد، آسان‌تر از بندهای موصولی است که هسته در آن‌ها نقش مفعول مستقیم را دارد. احمدی‌پور در زمینه چینش سازه‌ها با بررسی ۱۵۰۰ جمله مرکب فارسی از منظر رده‌شناسی نشان داد که الف. بند پیرو در صورتی‌که نهاد باشد، در موقعیت پایانی جمله قرار دارد؛ ب. بند پیرو در صورتی‌که متمم باشد، می‌تواند در موقعیت پایانی جمله واقع شود یا بعد از نهاد قرار گیرد و در چنین جملاتی بند پیرو حرکت‌دار است؛ ج. بند پیرو در صورتی‌که مفعول بی‌واسطه باشد، همواره در جایگاه پایانی جمله قرار می‌گیرد (نک. احمدی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۳).

راسخ‌مهند با بررسی پی‌بست‌های ضمیری در تاتی جنوبی به این نتیجه رسید که پی‌بست‌ها در نقش فاعل در زمان گذشته در جایگاه واکرناگل^۱ قرار دارند، اما در نقش‌های دیگر از این جایگاه حرکت کرده و به سمت فعل رفته‌اند (نک. راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۹). هرچند هنوز پی‌بست‌ها به جایگاه پس از فعل نرسیده‌اند و تنها در صورتی‌که فعل، تنها سازه جمله باشد، پی‌بست‌ها پس از آن قرار می‌گیرند.

شریفی در بررسی ساخت ملکی زبان فارسی از منظر رده‌شناسی نشان داد که از بین دو راهبرد صرفی- نحوی وندافزایی و استفاده از پیونده، راهبرد غالب ملکی‌سازی در فارسی امروز، استفاده از پیونده است که در دسته راهبردهای دستوری‌شده‌تر، طبق تعریف کرافت (۲۰۰۳) قرار می‌گیرد (نک. شریفی، ۱۳۸۸: ۴۷). به لحاظ ترتیب عناصر دو سازه اصلی ساخت ملکی (یعنی مالک و ملک)، این زبان در دسته زبان‌هایی قرار می‌گیرد که آرایش ملک- مالک دارند. رضایی زبان فارسی را از دیدگاه رده‌شناسی در زمانی مورد بررسی قرار داد که از میان سه دیدگاه هسته پایانی بودن، هسته دوشقی داشتن و هسته آغازین بودن، دیدگاه سوم و گرایش زبان فارسی به سمت تبدیل شدن به زبانی دارای هسته آغازین را مورد تأکید قرار داده است (نک. رضایی، ۱۳۹۰: ۴۵). منصوری در بررسی مجهول در زبان فارسی بر پایه رده‌شناسی زبان به این نتیجه رسید که مجهول بی‌نشان در زبان فارسی امروز با فعل

کمکی «شدن» شکل می‌گیرد، ولی در عین حال شیوه‌های دیگری در بیان مجهول وجود دارد که جالب توجه است و زبان فارسی امروز برخلاف فارسی باستان و میانه، فاقد مجهول ساخت‌واژی است (نک. منصور، ۱۳۸۸: ۱۵۶). غلامی با بررسی نشان‌داری رده‌شناختی در زبان فارسی براساس معیارهای نشان‌داری کرافت (2003) و الگوی سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ (1966 a) به این نتیجه رسید که زبان فارسی سلسله‌مراتبی شبیه سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ دارد و در سه مقوله، سلسله‌مراتب متفاوتی را نشان می‌دهد؛ الف. زمان: زمان حال، زمان گذشته < زمان آینده؛ ب. نمود: نمود کامل < نمود ناقص و ج. شخص: سوم شخص < اول شخص، دوم شخص (نک. غلامی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

۳. چارچوب نظری تحقیق

مطالعه جهانی‌های زبان^۲ به تثبیت محدودیت‌هایی بر تنوع در زبان بشر همت گماشته است. رده‌شناسی زبان^۳ مستقیماً با مطالعه این تنوع‌ها سروکار دارد و دو رویکرد جهانی‌های زبان و رده‌شناسی زبان هر دو به تبیین محدودیت‌های حاکم بر تنوع می‌پردازند (Vide. Comrie, 1989: 34). شاهد دیگر برای همانندی اهداف این دو رویکرد این است که برای مطالعات رده‌شناختی تثبیت پارامترهای معین جهت تعیین رده‌های زبان‌های جهان ضروری است و انتخاب پارامتر معتبر برای مقایسه رده‌شناختی زبان‌ها مستلزم این پیش‌فرض است که پارامتر مفروض در تحلیل هر زبانی معتبر است. بنابراین انجام هر گونه مطالعه رده‌شناختی مستلزم پیدایش فرضیاتی درباره جهانی‌های زبان است (Vide. Ibid: 35). گرینبرگ^۴ (1963) تعدادی جهانی‌های تلویحی^۵ را فرمول‌بندی کرد که به ترتیب عناصر نحوی متفاوت اشاره دارد. او زبان‌ها را براساس ترتیب واژه فاعل، مفعول و فعل به سه رده دسته‌بندی کرد و بعداً رده‌شناسان سه رده ممکن دیگر را به آن اضافه کردند. له‌من^۶ (1973) و ونه‌من^۷ (1974) شش رده را به رده‌های مفعول + فعل و فعل + مفعول تقلیل دادند که درحقیقت در رده‌بندی، دو عنصر نحوی مفعول و فعل را لحاظ کردند (Vide. Dryer, 1991: 443). درایر به مطالعه زبان‌های رده فاعل + فعل + مفعول پرداخته است (Ibid: 476). او مدعی شده است درحالی‌که ویژگی‌های بسیار کمی (شبیه ترتیب مضاف‌الیه و مضاف) وجود دارند که زبان‌های ذکرشده

براساس آن دارای الگویی بینابین زبان‌های فعل‌آغازی و فعل‌پایانی هستند، تعداد زیادی ویژگی ترتیب واژه دیگر وجود دارند که زبان‌های فاعل+ فعل + مفعول دارای الگویی بسیار زیاد شبیه زبان‌های فعل‌آغازی هستند. درحقیقت ونه‌من ترتیب واژه گرینبرگ را به دو شق زبان‌های وابسته- هسته در مقابل هسته- وابسته تقسیم‌بندی کرده است، اما کامری این رده‌بندی را رد کرده است؛ زیرا این رده‌بندی دارای استثنائات بسیار زیاد است و طرد جایگاه فاعل در این رده‌بندی مشکل‌آفرین است (Vide. Comrie, 1988: 150). وی زبان‌های دارای ترتیب واژه فعل- فاعل- مفعول را به لحاظ رده‌شناسی بسیار همگن می‌داند، اما معتقد است زبان‌های دارای ترتیب فاعل- فعل- مفعول به‌طور قابل ملاحظه‌ای ناهمگن هستند (Ibid). کرافت رده‌شناسی زبان را به‌مثابه طبقه‌بندی رده‌های ساختاری در زبان‌ها تعریف کرده است که رده‌شناسی درحقیقت مقایسه بین زبان‌هاست. او همچنین رده‌شناسی را مطالعه الگوهایی در نظر گرفته است که به‌طور نظام‌مند در زبان‌ها به کار می‌روند که این تعریف به تعمیم رده‌شناختی معروف است (1: Croft, 2003). الگوهای مورد نظر در تعمیم رده‌شناختی، جهانی‌های زبان هستند که نمونه کلاسیک آن‌ها، جهانی‌های تلویحی نامیده می‌شوند. دو ویژگی اصلی و بارز رویکرد گرینبرگ در زمینه رده‌شناختی زبان عبارت‌اند از: نقش محوری مقایسه بین‌زبانی و روابط تنگاتنگ بین صورت زبانی و نقش زبان (6: Ibid). کرافت مدعی است که مطالعه رده‌شناسی زبان شامل تعامل همیشگی بین فرضیه‌های قیاسی و تعمیم‌های استقرایی^{۱۰} از زبان‌هاست (51: Ibid). کرافت انگیزه‌های در رقابت^{۱۱} نظیر غلبه، هماهنگی و سنگینی^{۱۲} را عوامل تأثیرگذاری در نظر می‌گیرد که ساخت‌های دستوری را برمی‌انگیزند و البته با یکدیگر در رقابت هم هستند (86: Ibid). او معتقد است که بیشتر تنوع‌های بین‌زبانی ناشی از این انگیزه‌های رقیب است. این انگیزه‌ها نه‌تنها توزیع رده‌های ممکن و ناممکن را در زبان‌های جهان، بلکه توزیع تناسبی رده‌های ممکن متفاوت و همچنین استثنائات نسبتاً نادر در جهانی‌های رده‌شناختی را تبیین می‌کنند. ترتیب غالب^{۱۳} براساس انگیزه تسلط نوعی ترتیب است که همیشه در تالی^{۱۴} به کار می‌رود و ترتیب واژه غالب نسبت به مغلوب^{۱۵} به لحاظ بین‌زبانی دارای بسامد بیشتری است (Vide. Greenberg, 1966 a: 97). الگوی دیگری که گرینبرگ در جهانی‌های زبان کشف کرد، هماهنگی است. در جهانی‌های

تلویحی، ساخت‌های اسم + حرف تعریف > اسم + صفت و حرف تعریف + اسم > صفت + اسم (AN > DemN و NA > NDem) هماهنگ هستند. به عبارت دیگر در مورد اول، هسته و بعد وابسته می‌آید و در مورد دوم، برعکس، اول وابسته و بعد هسته می‌آید که در هر دو مورد هماهنگی وجود دارد. گرینبرگ تعمیم زیر را پیشنهاد کرده است:

ترتیب غالب همیشه به کار می‌رود، اما ترتیب مغلوب تنها زمانی اتفاق می‌افتد که ساخت هماهنگ حضور داشته باشد (Vide. *Ibid*: 97).

انگیزه سوم در الگوی گرینبرگ سنگینی است که وابسته‌های سبک‌تر همیشه قبل از هسته و وابسته‌های سنگین‌تر بعد از هسته قرار می‌گیرند و ترتیب غالب این است که عنصر سبک‌تر قبل از عنصر سنگین‌تر قرار گیرد (Hawkins, 1983: 98-106). برخی زبان‌شناسان مجموعه‌ای از اصول کاربردشناختی جهانی حاکم بر انگیزش ترتیب واژه را ارائه کردند که این اصول قدمت طولانی در نقش‌گرایی دارند (Haiman, 1985: 237-238):

الف. اطلاع کهنه اول و اطلاع نو بعد از آن در پاره‌گفتار می‌آید؛

ب. عقاید مرتبط کنار هم در پاره‌گفتار قرار می‌گیرند؛

ج. سازه برجسته در ذهن گویشور (کمتر قابل پیش‌بینی، مهم‌تر و مورد توجه مخاطب) (Vide. Givon, 1988: 725-726) تمایل دارد در آغاز پاره‌گفتار بیاید.

کرافت در زمینه نشان‌داری رده‌شناختی^{۱۴} سه معیار ساختاری، رفتاری و بسامد کاربرد^{۱۵} را به شرح زیر معرفی کرد (Vide. Croft, 2003: 92):

الف. معیار ساختاری: ارزش نشان‌دار مقوله دستوری از طریق حداقل تعداد تک‌واژه‌هایی همانند ارزش بی‌نشان، نشان داده می‌شود.

ب. معیار رفتاری: این معیار به دو معیار کلی تصریفی و نحوی (توزیعی) تقسیم شده است که معیار تصریفی عبارت است از این‌که اگر ارزش نشان‌دار دارای تعداد معینی تمایزهای صوری در الگوی تصریفی باشد، آن‌گاه ارزش بی‌نشان حداقل دارای تعداد زیادی تمایزهای صوری در همان الگو خواهد بود. معیار نحوی نیز بدین شکل تعریف شده است: اگر ارزش نشان‌دار در تعداد معینی از محیط‌های دستوری متمایز (نمونه‌های ساخت) به کار رود، آن‌گاه ارزش بی‌نشان نیز حداقل در محیط‌هایی همانند ارزش نشان‌دار به کار می‌رود

(Vide. *Ibid*: 98).

ج. بسامد کاربرد: اگر نمونه‌هایی از ارزش نشان‌دار یک مقوله در بسامد معینی در نمونه متن به کار رود، آنگاه نمونه‌هایی از ارزش بی‌نشان دارای حداقل بسامد مساوی با ارزش نشان‌دار در نمونه متن خواهد بود (Vide. *Ibid*: 110).

درایر در زمینه سازه‌های هم‌الگو با فعل و سازه‌های هم‌الگو با مفعول با رد نظریه هسته-وابسته، نظریه سوی انشعاب^{۱۱} را پیشنهاد کرده است (Vide. Dryer, 1992: 89). طبق این نظریه، سازه‌های هم‌الگو با فعل، مقوله‌های غیر گروهی (غیر انشعابی/واژگانی) و سازه‌های هم‌الگو با مفعول، مقوله‌های گروهی (انشعابی) هستند. بر این اساس تمایل غالب زبان‌های دارای ترتیب مفعول + فعل این است که سازه گروهی را پیش از سازه غیر گروهی بیاورند و این تمایل غالب در زبان‌های دارای ترتیب فعل + مفعول، برعکس است. فعل، مقوله‌ای غیر گروهی و مفعول، مقوله‌ای گروهی (انشعابی) است (نک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۲). در نظریه هسته-وابسته، هسته‌ها هم‌الگو با فعل و وابسته‌ها هم‌الگو با مفعول هستند. درایر مدعی شد که دو نظریه هسته-وابسته و سوی انشعاب معادل هم نیستند (Vide. Dryer, 1992: 95). او جفت‌های غیر همبسته‌ای^{۱۷} از جمله صفت و اسم، حرف تعریف و اسم، تشدیدگر (مشخص‌گر) و صفت، نشانه نفی و فعل و همچنین نشانه زمان/نمود و فعل را نام برده است که نظریه هسته-وابسته قادر به تحلیل آن‌ها نیست و این جفت‌ها تنها از طریق نظریه سوی انشعاب قابل تحلیل هستند. له‌من (1973) و ونه‌من (1974 b) مدعی شدند که زبان‌های فعل میانی دارای ترتیب واژه اسم + صفت و زبان‌های فعل پایانی دارای ترتیب واژه صفت + اسم هستند، اما درایر (1988 a) نشان داد که هیچ شاهی برای چنین همبستگی وجود ندارد و کاربرد ترتیب صفت + اسم در زبان‌های فعل میانی بسیار بالاست. این شواهد مغایر با پیش‌بینی‌های نظریه هسته-وابسته هستند و درایر مدعی شد که اسم و صفت، جفت همبسته نیستند (Vide. Dryer, 1992: 96).

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر براساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است و جفت‌های همبسته در این تحقیق مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (1992) است که درحقیقت همبستگی بین ترتیب واژه مفعول-فعل و عناصر نحوی حرف اضافه و یا اسم-بند موصولی (مؤلفه‌های



بیست و چهارگانه در بخش بعدی معرفی می‌شوند) در این تحقیق محور اصلی بحث است. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه با دو گویشور سمنانی جمع‌آوری شده است که هر دو از اساتید دانشگاه بوده و کاملاً بر ساختار دستوری و تنوع‌های ساختی سمنانی اشراف دارند. کارت مصاحبه حاوی چهار سؤال بوده که براساس مؤلفه‌های درایر طراحی شده است. در این تحقیق همچنین از پژوهش‌های انجام‌شده در زبان سمنانی استفاده شده است. ساخت‌های حاصل از این داده‌ها با مؤلفه‌های درایر سنجیده می‌شود تا ترتیب واژه زبان سمنانی از منظر رده‌شناختی تعیین گردد. برای رسیدن به این هدف لازم است مؤلفه‌های حاصل از داده‌ها با رفتار رده‌شناختی ترتیب واژه زبان‌های اروپا-آسیا و جهان مقایسه گردد و این یافته‌ها در قالب جدول در مقاله درایر (1992) آمده است و نمونه‌ای از این جدول در این بخش معرفی می‌شود (اختصارات: م=مفعول، ف=فعل، ا=اسم و ب.م=بند موصولی):

جدول ۱ ترتیب اسم و بند موصولی (Wide, Dryer, 1992: 86)

آفریقا	اروپا-آسیا	جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه	استرالیا-گینه نو	آمریکای شمالی	آمریکای جنوبی	جمع کل
۵	۱۱	۲	۲	۳	۳	۲۶
۹	۵	۲	۶	۱۲	۳	۳۷
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
۲۱	۸	۱۲	۳	۱۱	۵	۶۰

اعداد در جدول، تعداد گروه زبان‌ها شامل زبان‌های رده مفروض را در منطقه مورد نظر نشان می‌دهند. اعداد بزرگ‌تر از هر گروه زبان‌ها در هر رده (مفعول+فعل و یا فعل+مفعول) داخل مربع قرار گرفته‌اند؛ مثلاً در جدول بالا، رده مفعول+فعل در منطقه آفریقا از بین اعداد ۵ و ۹ عدد بزرگ‌تر، یعنی ۹ در داخل مربع قرار گرفته است. زبان‌ها در داخل گروه زبان‌ها به لحاظ رده‌شناختی مشابه هستند و این گروه زبان‌ها به شش منطقه جغرافیایی بزرگ گروه‌بندی شده‌اند؛ مثلاً عدد ۲۱ در جدول نشان می‌دهد که ۲۱ گروه زبان در آفریقا شامل زبان‌هایی هستند که در پایگاه داده‌ها دارای ترتیب فعل+مفعول و بند موصولی بعد از اسم واقع شده

است. تعداد کل درحقیقت گروه زبان‌هایی است که شامل زبان‌هایی از هر رده در کل جهان است؛ مثلاً زبان فارسی دارای ترتیب مفعول + فعل است و بند موصولی معمولاً بعد از اسم ظاهر می‌شود که براساس این جدول، زبان فارسی (براساس مؤلفه اسم و بند موصولی) در مقایسه با منطقه اروپا- آسیایزبانی، فعل پایانی، ضعیف (۵ در برابر ۱۱) و اما در مقایسه با گروه زبان‌های جهان‌زبانی فعل پایانی، قوی (۳۷ در برابر ۲۶) است. زبان فارسی از منظر مؤلفه ذکرشده در مقایسه با رده فعل+ مفعول هم در منطقه اروپا- آسیا و هم جهان (۸ و ۶۰) جزء زبان‌های فعل آغازی قوی به شمار می‌رود که درحقیقت زبان فارسی از این حیث حتی قوی‌تر از زبان‌های فعل پایانی (به ترتیب ۸ و ۶۰ در برابر ۵ و ۳۷) است. بنابراین قوت و ضعف در این بحث نشان‌دهنده نسبی بودن مفاهیم ذکرشده است و درحقیقت در رده‌شناسی زبان که بر بنیاد نقش‌گرایی شکل گرفته است، مفهوم مطلق وجود ندارد و در رده‌شناسی از تمایل و نه قاعده بحث می‌شود. مفهوم تمایل با نسبی بودن و قاعده با مطلق بودن مرتبط است.

۵. زبان سمنانی

سمنانی جزء شاخه غربی زبان‌های ایرانی و در بین زبان‌های این شاخه متعلق به نواحی شمالی زبان‌های مرکزی ایران است. از نظر طبقه‌بندی تاریخی، این زبان اصیل متعلق به حد فاصل بین زبان‌های ایرانی باستان و میانه بوده و بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های باستان از جمله کنایی، جنس و حالت را در خود حفظ کرده است (نک. داوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱۵). حشمتی رضوی ویژگی‌های مشترک صرفی زبان‌های سمنانی، سرخه‌ای و افتری را شامل قرارگرفتن صفت قبل از موصوف، مضاف‌الیه قبل از مضاف، ویژگی کنایی و عدم وجود زمان آینده از فعل خواستن در نظر گرفته است (نک. حشمتی رضوی، ۱۳۸۹: ۸۲۳). جوکار (۱۳۹۲: ۹۷) رایج‌ترین فرآیندهای واژ- واجی سمنانی را شامل درج، حذف و تغییر آوایی می‌داند (نک. جوکار، ۱۳۹۲: ۹۷). در سلسله‌مراتب نشاننداری حالت‌ها، حالت فاعلی فعل‌های لازم بی‌نشان‌ترین و برجسته‌ترین حالت‌ها ذکر شده است که این سلسله‌مراتب برای زبان سمنانی نیز قابل پذیرش می‌باشد؛ زیرا حالت فاعلی فعل‌های لازم در زمان گذشته و حال، بدون نشانه و یا پسوندی می‌آیند و حالت مفعولی مخصوص فعل متعدی گذشته است (نک. مرادی، ۱۳۹۲: ۹۳). صفایی و درویشعلی پورآستانه در زمینه مقایسه دو زبان سمنانی و گیلکی دریافتند که

این دو گویش، بازمانده و صورت تحول یافته گویش پهلوی هستند؛ هرچند که تماماً به هم شبیه نیستند، اما وجود ساخت‌های مشابه صرفی و نحوی و برخی واژگان مشترک این ادعا را ثابت می‌کند. به علاوه بین دو زبان ذکر شده در صرف، نحو و واژگان شباهت‌های چشم‌گیری وجود دارد که بیشتر از همه در حوزه اسم خود را نشان داده است (نک. صفایی و درویشعلی پورآستانه، ۱۳۸۹: ۱۳۹۶). محمدابراهیمی و همکاران در زمینه مطالعه جنس دستوری در سمنانی به این نتیجه رسیدند که معیار آوای پایانی مهم‌ترین معیاری است که بر جنس اسامی در زبان سمنانی حاکم است؛ ضمن این‌که معیارهای معنایی و ساخت‌واژی نیز بر جنس اسمی در این زبان تأثیر دارند (نک. محمدابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۴۹).

۶. تحلیل مؤلفه‌های بیست و چهارگانه در زبان سمنانی:

۱. نوع حرف اضافه (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه): حرف اضافه «در» در گویش سمنانی هم بعد از اسم (پس‌اضافه) و هم قبل از اسم (پیش‌اضافه) به کار می‌رود:

Važar- pi	delæ- xiyabuni	dænin- majed
از بازار	در خیابان	در مسجد

پیش‌اضافه «در» (delæ) برای مکان‌های فاقد سقف و پیش‌اضافه «در» (dænin) برای مکان‌های دارای سقف به کار می‌رود.

۲. توالی هسته و بند موصولی (هسته اسمی پیش از بند موصولی یا پس از آن): مردی که گفتی، دیدم.

ʔuni- ko bataæ, (ʒo) bædiaen
دیدم - (او را) - گفتی که - مردی را
ʔun mirdæke-ko bataæ, bædiaen
دیدم - گفتی - که - مردی - آن

بند موصولی در سمنانی بعد از هسته اسمی می‌آید.

۳. توالی مضاف و مضاف‌الیه:

Hæsæn-i kola	Mæryæm-in nimalæ	Hæsæn-i piyæ
کلاهی - نشانه اضافه - حسن	ماریام - نشانه اضافه - مریم	پدر - نشانه اضافه - حسن
mo kætab	ʒo kætab	ʒin kætab
کتاب من	کتاب او (مذکر)	کتاب او (مؤنث)

صفات اشاره قبل از اسم ظاهر می‌شوند و مطابقت جنسیت دستوری در بیشتر نمونه‌های بالا بین صفت اشاره و اسم وجود ندارد و تنها در یک مورد این مطابقت جنسیت دستوری به چشم می‌خورد. احتمال می‌رود که مطابقت جنسیت دستوری زمانی در زبان سمنانی بین صفت اشاره و اسم وجود داشته، اما با گذشت زمان این مطابقت از بین رفته است.

۱۱. توالی قید مقدار و صفت:

en- kiyæ- xeyli- kozæ čomča xeyli deraze
است- بزرگ- خیلی- خانه - این است- دراز- خیلی- قاشق

در تمام موارد، قید مقدار قبل از صفت قرار می‌گیرد.

۱۲. توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود: فعل کمکی آینده در سمنانی به کار نمی‌رود و فعل مضارع برای بیان کنشی در آینده به همراه قیود آینده به کار می‌رود. در جدول شماره «۲» فعل کمکی «داشتن»، نشانه نمود ناقص قبل از فعل اصلی به کار می‌رود و در جدول «۳» تصریف زمان گذشته فعل کمکی «بودن» در صرف ماضی بعید بعد از فعل اصلی آمده است. در ساخت ماضی بعید برخلاف زبان فارسی که فعل کمکی «بودن» به کار می‌رود، شناسه به بن گذشته فعل اضافه می‌شود. نکته قابل توجه این است که شناسه‌های ماضی بعید در زبان سمنانی برای افعال لازم و متعدی متفاوت است. در زبان سمنانی برای بیان نمود ناقص استمراری از فعل کمکی «داشتن» استفاده می‌شود که همواره قبل از فعل اصلی به کار می‌رود و در ساخت ماضی بعید تصریف زمان گذشته فعل کمکی «بودن» به ستاک ماضی فعل اصلی اضافه می‌شود.

جدول ۲ صرف نمود ناقص فعل رفتن (نک. مرادی، ۱۳۹۲: ۷۶)

darön meĴin	دارم می‌روم	darin meĴin	داریم می‌رویم
dar meĴæ	داری می‌روی	darin meĴin	دارید می‌روید
dare meĴu	دارد می‌رود	daræn meĴin	دارند می‌روند

جدول ۳ صرف ماضی بعید فعل خوردن (boxordiyun)

bo-xor-bimun	خورده بودیم	bo-xor-ben	خورده بودم
		شناسه-بن فعل- نمود کامل	
bo-xor-bitun	خورده بودید	bo-xor-bet	خورده بودی
bo-xor-bišun	خورده بودند	bo-xor- beš	خورده بود



۱۳. توالی ادات استفهام و جمله: ادات استفهام (آیا) در زبان سمنانی به کار نمی‌رود و بیشتر از نوع پرسشی پژواکی استفاده می‌شود:

Ketab boxončæ کتاب خواندی؟
Bošqab-i xærbize gæl heštæn?
آیا جلوی خربزه، بشقاب‌ها هست؟

۱۴. توالی پیرونیامی بند قیدی / حرف ربط قیدی و بند: وقتی که او را دیدم، مریض بود.
Væxti ko žo bædien, mæriz ba.

بود- مریض، دیدم- او را - که - وقتی
حروف ربط قیدی «هنگامی که و زمانی که» در سمنانی وجود ندارد. حروف ربط قیدی قبل از بند پیرو می‌آیند.
۱۵. توالی حرف تعریف و اسم:

?i ketab ketabi ko
کتاب- یک که- کتابی (علامت معرفه)
حرف تعریف غالباً قبل از اسم می‌آید و البته حرف تعریف معرفه *i*- بعد از اسم در زبان سمنانی می‌آید.

۱۶. توالی فعل و فاعل: فاعل قبل از فعل می‌آید. آن مرد به باغ محمود می‌رود.

?un mirdeka mešu mamud-i raz
باغ - نشانه اضافه (حالت غیر فاعلی) - محمود - می‌رود - مرد - آن
۱۷. توالی عدد و اسم:

?i ketab do ketabi čun jel ketab čund-i mizi
نشانه جمع- میز- نشانه جمع- چند کتاب- جلد- چند کتاب- دو کتاب- یک
Čund-i sændæli Čund-i kærği Čund-i morqone
تخم‌مرغ- نشانه جمع- چند نشانه جمع- مرغ- نشانه جمع- چند صندلی- نشانه جمع- چند
واژه صندلی زمانی که جمع بسته می‌شود، نشانه تأیید حذف می‌شود و صفت شمارش (چند) نیز در سمنانی همانند اسم، جمع بسته می‌شود و نشانه جمع در واژه تخم‌مرغ تغییر واجی را نشان می‌دهد (e → i). اعداد و صفت شمارشی در زبان سمنانی همیشه قبل از اسم قرار می‌گیرند.

۱۸. توالی وند زمان- نمود و ستاک فعل: صرف زمان گذشته ساده در سمنانی در افعال مختلف متفاوت است و درحقیقت افعال به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول فقط دارای شناسه

اول شخص مفرد و جمع (-mon, -æn) هستند. دسته دوم دارای شناسه‌هایی به ترتیب اول شخص مفرد -en، اول شخص جمع -emon و بقیه شناسه‌ها -a هستند. دسته سوم دارای شناسه‌های اول شخص مفرد -yūn، دوم شخص مفرد -et، سوم شخص مفرد مذکر و مؤنث -yæ, -a و بقیه شناسه‌ها -en هستند. در صرف زمان مضارع همپیشوند -mi (که دارای تکواژگونه‌های متفاوتی است) به بن فعل افزوده می‌شود و صرف مضارع التزامی همپیشوند -be نشان‌دهنده زمان و نمود فعل بن فعل اضافه می‌شود و نکته قابل توجه این است که مصدرهای زبان سمنانی همواره دارای پیشوند -be برای بازنمایی نمود کامل هستند و البته در مواردی به جای این پیشوند از پیشوند دیگری مانند -de (decardiyun) نیز استفاده می‌شود. بنابراین وندهای نشان‌دهنده زمان و نمود در زبان سمنانی به صورت پیشوند و پسوندی هستند که به ستاک فعل اضافه می‌شوند. نمونه‌ای از صرف فعل مضارع در جدول «۴» آمده است:

جدول ۴ صرف مضارع اخباری مصدر خوردن (boxordiyun)

mo-xor-in	می‌خوریم	mo-xor-un شناسه- بن فعل- نمود کامل	می‌خورم
mo-xor-in	می‌خورید	mo-xor-∅	می‌خوری
mo-xor-æn	می‌خورند	mo-xor-e	می‌خورد

۱۹. توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی:

mo ketab

hæma ketab

کتابم

کتابمان

تکواژ آزاد ملکی همیشه قبل از اسم می‌آید. داوری (۱۳۸۹: ۱۰۳۵) در زمینه ساخت ملکی در سمنانی به این نتیجه رسید که در این زبان مفهوم مالکیت در قالب ساخت اضافی و با انتساب حالت غیر فاعلی به سازه مالک یا وابسته و با قرارگرفتن این سازه پیش از سازه هسته یا مملوک، یعنی با اتخاذ ترتیب سازه‌ای وابسته- هسته بازنمایی می‌شود و همچنین ساخت اضافی از هر دو ترتیب سازه‌ای وابسته- هسته و هسته- وابسته بهره می‌جوید، حال آن‌که ترتیب سازه‌ای در ساخت ملکی آن همواره ثابت و ترتیب وابسته- هسته است.

۲۰. توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم توانستن:



ʔæ mæzonun ba-ši-n mo mæzonen ba-ši-n
 شناسهٔ اول شخص - رو - نمود کامل - می توانستم - من شناسهٔ اول شخص - رو - نمود کامل - می توانم - من
 نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که فعل کمکی توانستن قبل از فعل اصلی ظاهر می‌شود.
 ۲۱. توالی متمم‌ها و جملهٔ متمم:

Mirdi ko moʔælemæ biyæmo
 آمد - است - معلم - که - مردی
 متمم‌ها در آغاز جملهٔ متمم می‌آید و متمم‌ها معمولاً دارای صورت‌های ke, ki هم هست.
 ۲۲. حرکت پرسش‌واژه:

Hæsæn čiči bæbærdə čiči Hæsæn bæbærdə Hæsæn čiči bæxord
 خورد - چه چیزی - حسن برد - حسن - چه چیزی برد - چه چیزی - حسن
 اگرچه پرسش‌واژه در نمونه‌های بالا از جایگاه اصلی خود حرکت کرده است، اما این حرکت اجباری نیست و در بیشتر موارد پرسش‌واژه‌ها در زبان سمنانی در جایگاه اصلی خود به کار می‌روند.
 ۲۳. توالی مفعول و فعل: نمونه‌های زیر نشان می‌دهند که مفعول قبل از فعل ظاهر می‌شود و مفعول بندی بعد از فعل اصلی ظاهر می‌شود.

mo žoræ ba-tæ-n mo žinæ ba-tæ-n
 گفتم - او (مؤنث) را - من گفتم - او (مذکر) را - من
 mo batæn ko Ali danušjui xariyæ
 است - خوب - دانشجو - علی - که گفتم - من
 ۲۴. توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل:

Hæsæn ketab mæ-næ-xun-e Hæsæn ketab næ-xun-d
 شناسهٔ اول شخص مفرد - خوان - نه - می - کتاب - حسن نشانهٔ گذشته - خواند - نه (پیشوند نفی) - کتاب - حسن

Ali pə-ba Ali pə-næ-ba Ali du-sat Ali du-næ- sat
 شد - بلند علی شد - نه - بلند علی زد - اندر علی زد - نه - اندر علی
 Ali du- mæ- næ- sat
 زد - نه - می - اندر علی

وند منفی‌ساز در تمام موارد بالا قبل از ستاک فعل ظاهر شده است. نکتهٔ قابل ذکر این است که در فعل مرکب «بلند شدن» پیشوند نفی به جزء فعلی متصل شده است و همچنین فعل «زدن» در سمنانی با پیشوند -du همراه است که معنایی معادل «اندر» و «وارد آمدن» دارد و

وند منفی‌ساز در این ترکیب نیز قبل از ستاک فعل ظاهر شده است.

۷. توصیف وضعیت رده‌شناختی زبان سمنانی براساس مؤلفه‌های

ترتیب واژه‌ها

هریک از مؤلفه‌های بیست‌و‌چهارگانه در این تحقیق با هریک از مؤلفه‌های جدول‌های مقاله درایر (1992) مقایسه می‌شود تا مشخص گردد که زبان سمنانی براساس مؤلفه‌های ذکرشده به لحاظ رده‌شناختی جزء کدامیک از زبان‌های فعل پایانی یا فعل آغازی محسوب می‌شود. گفتنی است در بخش روش تحقیق نمونه‌ای از جدول مقاله درایر (1992) آمده است و مؤلفه اسم + بند موصولی زبان فارسی با گروه زبان‌های منطقه اروپا-آسیا و همچنین جهان مورد مقایسه قرار گرفته است. در ادامه این بخش، مقایسه مؤلفه‌های بیست‌و‌چهارگانه در زبان سمنانی با گروه زبان‌های اروپا-آسیا و جهان، به ترتیب در جدول «۴ و ۵» ارائه می‌شود.

جدول ۵ سمنانی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا

مؤلفه رده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	جمع		
فعل پایانی قوی	+																									۱۷	
فعل پایانی ضعیف																											۸
فعل میانی ضعیف																											۹
فعل میانی قوی																											۱۶



جدول ۶ سمنانی در مقایسه با زبان‌های جهان

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	جمع	
فعل پایانی قوی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	۱۶
فعل پایانی ضعیف									+	+			+													۱۰
فعل میانی ضعیف																										۱۱
فعل میانی قوی																										۱۴

۸. نتیجه‌گیری

مقایسهٔ زبان سمنانی با گروه زبان‌های اروپا-آسیا و جهان براساس مؤلفه‌های بیست و چهارگانهٔ درایر (1992) نشان می‌دهد که زبان سمنانی در حال حرکت به سوی ردهٔ زبان‌های فعل میانی است و البته در حال حاضر با توجه به جدول «۵ و ۶» بالا، زبان سمنانی همچنان در زمرهٔ ردهٔ زبان‌های فعل پایانی است که این زبان دارای ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل میانی قوی در مقایسه با گروه زبان‌های اروپا-آسیا و همچنین دارای ۱۶ مؤلفهٔ فعل پایانی قوی و ۱۴ مؤلفهٔ میانی قوی در مقایسه با گروه زبان‌های جهان است. زبان سمنانی در مقایسه با زبان فارسی به لحاظ ترتیب واژه در رده‌شناختی دست‌خوش تحولات کمتری شده است؛ زیرا براساس مطالعات رده‌شناختی دبیرمقدم (نک. ۱۳۹۲: ۱۲۸) در زمینهٔ ترتیب واژهٔ فارسی، میزان گرایش زبان فارسی به ردهٔ فعل میانی بسیار بیشتر از زبان سمنانی هم در مقایسه با گروه زبان‌های اروپا-آسیا و هم جهان است؛ به‌طوری‌که زبان فارسی دارای ۱۲ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل پایانی قوی و برخوردار از ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل میانی قوی در گروه

زبان‌های اروپا-آسیا و میزان آن در گروه زبان‌های جهان به ترتیب ۱۵ و ۱۹ است.

۹. پی‌نوشت‌ها

1. Wackernagel's position
2. language universals
3. language typology
4. Greenberg
5. implicational universals
6. Lehmann
7. Vennemann
8. deductive hypotheses & inductive generalizations
9. competing motivations
10. dominance, harmony & heaviness
11. dominant order
12. implicatum
13. recessive order
14. typological markedness
15. structural coding, behavioral potential & text frequency
16. branching direction theory
17. noncorrelation pairs
18. dependent- marking

۱۰. منابع

- احمدی‌پور، طاهره (۱۳۹۱). «بررسی رده‌شناختی سازه‌ها». مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی. صص ۶۱-۶۳.
- حشمتی رضوی، نرگس (۱۳۸۹). «ویژگی‌های صرفی مشترک در گویش سمنانی، سرخه‌ای و افتری». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران. صص ۸۲۳-۸۳۲.
- جوکار شهرستانی، سارا (۱۳۹۲). *فرآیندهای واژ- واجی در سمنانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. سمنان: دانشگاه سمنان.
- داوری، شادی (۱۳۸۹). «ساخت ملکی در گویش سمنانی: براساس دیدگاه رده‌شناسی جزءگرا». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران. صص ۱۰۱۵-۱۰۴۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.



- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۱. ش ۱. صص ۱-۱۰.
- رضایی، حدائق (۱۳۹۰). «جایگاه هسته در زبان فارسی: تأملی از دیدگاه رده‌شناسی در زمانی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۳. ش ۲. صص ۳۵-۴۶.
- گلفام، ارسلان (۱۳۷۹). «شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی* (دانشگاه تهران). صص ۱۷۱-۱۹۰.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۸). «بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۱. ش ۱. صص ۴۷-۶۲.
- صفایی، علی و لیلا درویشعلی پورآستانه (۱۳۸۹). «بررسی وجوه مشابهت‌های زبانی بین گویش سمنانی و گیلکی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران*. صص ۱۳۷۹-۱۳۹۶.
- غلامی، محبوبه (۱۳۸۹). «نشانداری رده‌شناختی در زبان فارسی». *مجله دستور*. ش ۶. صص ۲۰۸-۲۳۶.
- محمدابراهیمی، زینب و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی جنس دستوری در گویش سمنانی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران*. صص ۱۸۴۹-۱۸۷۶.
- مرادی، سهیلا (۱۳۹۲). *فعل در گویش سمنانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. سمنان: دانشگاه سمنان.
- منصور، مهرزاد (۱۳۸۸). «بررسی مجهول در زبان فارسی بر پایه رده‌شناسی زبان». *مجله دستور*. ش ۵. صص ۱۵۶-۱۷۰.

References:

- Ahmadipoor, T. (2012). "The typological investigation of constituents". *The Roshd Magazine of Persian Language and Literature Teaching*. pp. 61-63 [In Persian].
- Comrie, B. (1988). "Linguistic typology". *Annual Review of Anthropology*. Vol. 17. pp. 145-159.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. 2nd edn. Chicago: University of Chicago Press.

- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Davari, SH. (2010). "Possessive construction in Semnani dialect based on individualizing typology". *Articles of the First International Conference on Iran's Desert Area Dialects*. pp. 1015-1040 [In Persian].
- Dryer, M. S. (1988 a). "Object-verb order and adjective-noun order: Dispelling a myth". *Lingua*. Vol. 74. pp. 77-109.
- ----- (1991). "SVO languages and the OV: VO typology". *Journal of Linguistics*. Vol. 27. pp. 82-443.
- Dryer, M. S. (1992). "The Greenbergian Word Order Correlations". *Language*. Vol. 68. No. 1. pp. 81-138.
- Gholami, M. (2010). "Typological markedness in Persian language". *Journal of Grammar*. No. 6. pp. 208-236 [In Persian].
- Givon, T. (1988). "The pragmatics of word order: Predictability, importance and attention". In *Studies in Syntactic Typology*. ed. Michael Hammond. Edith Moravcsik and Jessica Wirth. pp. 84-243. Amsterdam: John Benjamins.
- Golfam, A. (2000). "Linguistic similarities and differences: Universals and typology". *Journal of Literature and Humanity Faculty of Tehran University*. pp. 171-190 [In Persian].
- Greenberg, Joseph H. (1963/ 1966 a). "Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements". In Joseph H. Greenberg (ed.). *Universals of Language*. 2nd edn. pp. 73-113. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Haiman, J. (1985). *Natural syntax*. Cambridge; Cambridge University Press.
- Hawkins, J. A. (1983). *Word Order Universals*. New York: Academic Press.
- Heshmati- Rasavi, N. (2010). "Morphophonemics in Semnani, Sorkhe'I & aftari dialects. *Articles of the First International Conference on Iran's Desert Area*

Dialects. pp. 823-832 [In Persian].

- Jokar- Shahrestani, S. (2013). *Morphophonemics in Semnani*. M.A. thesis. Semnan University [In Persian].
- Keenan, E. & B. Comrie (1977). "Noun phrase accessibility and universal grammar". *Linguistic Inquiry*. Vol. 8. pp. 63-99.
- Lehmann, W. (1973). "A structural principle of language and its implications". *Language*. Vol. 49. pp. 42-66.
- Mansouri, M. (2009). "The investigation of passive in Persian language based on language typology". *Journal of Grammar*, No. 5. pp. 156-170 [In Persian].
- Mohammad- Ebrahimi, Z. et al. (2010). "The investigation of grammatical gender in Semnani dialect". *Articles of the First International Conference on Iran's Desert Area Dialects*. pp. 1849-1876 [In Persian].
- Moradi, S. (2013). *Verb in Semnani Dialect*. M.A. Thesis. Semnan University [In Persian].
- Rasekhmahand, M. (2009). "The typological investigation of pronominal clitics in Tati language". *Journal of Linguistic Researches*. Vol. 1. No. 1. pp.47-62 [In Persian].
- Rezaei, H. (2011). "Head position in Persian language based on diachronic typology". *Journal of Linguistic Researches*. Vol. 3. No. 2. pp. 35-46 [In Persian].
- Safaei, A. & L. Darvishali- Poorastaneh (2010). "The investigation of linguistic similarities between Semnani & Gilaki dialects". *Articles of the First International Conference on Iran's Desert area Dialects*. pp. 1379-1396 [In Persian].
- Sharifi, SH. (2009). "The investigation of possessive construction in contemporary Persian language based on typology". *Journal of Linguistic Researches*. Vol. 1. No. 1. pp. 47-62 [In Persian].
- Vennemann, T. (1974). "Analogy in generative grammar: The origin of word order". *Proceedings of the Eleventh International Congress of Linguists*. Bologna: il Mulino. pp. 79-83.